

نگاهی به ترجمه عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم

کشیش میشل آقامالیان

(محقق، مترجم و مدرس الاهیات در کلیسای انجیلی پروتستان)

جناب پیروز سیار در ترجمه «عهد جدید» هم پیروز شد و ترجمه‌ای دقیق، زیبا، وفادارانه و سلیس روانه کتاب‌فروشی‌ها کرد. همان‌گونه که جناب کامران فانی در معرفی این ترجمه اشاره کرده‌اند، ترجمه استادانه پیروز سیار، اثری است «دوران‌ساز» و در آینده هیچ مترجم صاحب درکی نمی‌تواند به ترجمه‌ای نو از عهد جدید به زبان فارسی دست یازد بی‌آنکه نگاهی به ترجمه سیار داشته باشد. ترجمه ایشان از جهات متعدد، شایسته تحسین و ستایش است. اگرچه گفتنی درباره این ترجمه بسیار است، در زیر به سه نکته می‌پردازیم:

۱- ارزش علمی و دستاورد فرهنگی ترجمه عهد جدید

در تقریباً دو دهه اخیر، به همت و ابتکار جمعی از صاحب‌نظران حوزه معرفت دینی، برخی از مهم‌ترین آثار کلاسیک ادبیات مسیحی، به فارسی ترجمه شده‌اند. برای مثال می‌توان به آثاری اشاره کرد مانند *اعترافات آگوستین*، *اقتدا به مسیح* از توماس آکمپیس (و ترجمه‌ای دیگر از این اثر به نام *تشبه به مسیح*)، *پروسلوگیون آنسلم*، و نیز آثاری از الاهی‌دانان مسیحی برجسته قرن بیستم نظیر *پل تیلیش* (شجاعت بودن)، *رودلف بولتمان* و الاهی‌دان معاصر، و *لفهارت پاننبرگ* (درآمدی به الاهیات نظام‌مند). نیز می‌توان به آثاری در زمینه مطالعات تطبیقی اشاره کرد؛ از رساله‌های فوق لیسانس و دکتری که گاه موضوعات بسیار بکر و جالبی را دست‌مایه تحقیق قرار داده‌اند، چیزی نمی‌گوییم. با همه این تلاش‌های ارزنده آکادمیک، جای ترجمه معتبر و قابل استنادی از کتاب مقدس که پاسخ‌گوی نیاز دانشجویان الاهیات و علاقمندان مطالعات دینی باشد، در پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها خالی بود. طبعاً، این پرسش به ذهن می‌رسد که چگونه می‌توان مسیحیت را چنان که هست، از نگاه مسیحیت، شناخت بی‌آنکه به کتاب دینی اصلی آن، دسترسی داشت؟ چگونه می‌توان درک درستی از الاهیات نظام‌مند مسیحی داشت، بی‌آنکه منبع اصلی

و عمده این الهیات را خواند؟ شاید از همین روست که اکثر کتاب‌هایی که در حوزه مسیحیت ترجمه شده یا به نگارش درآمده، به اصطلاح بیشتر به تقریرات دگماتیک و آموزه‌ای الهیات مسیحی پرداخته و مطالعات بومی در این زمینه نیز عمدتاً بدون تعامل هرمنوتیکی مناسب با متن کتاب مقدس صورت گرفته است. خلاصه کلام آنکه، اکثر کتابهای موجود درباره مسیحیت به زبان فارسی که در دو دهه اخیر به چاپ رسیده، بیشتر شامل مباحث آموزه‌ای و داکترینال doctrinal بوده که در بستر اندیشه فلسفی روزگار خود، عمدتاً در غرب، زمینه‌مند contextualization شده است، و بنابراین، آثار جدی در زمینه پژوهش‌های مربوط به کتاب مقدس biblical scholarship انگشت‌شمارند. از این منظر، ترجمه جناب پیروز سیار، جایگاهی بیش از ترجمه یک متن مقدس دارد، و باید آن را به تأمین‌کننده اساسی‌ترین نیاز پژوهشگران ایرانی در حوزه پژوهش‌های کتب مقدس یهودیت و مسیحیت دانست.

یکی از مزایای عمده این ترجمه، پیشگفتارها و پانوشتها و ضامیم و نقشه‌های بسیار ارزنده و آموزنده آن است که البته، آقای سیار با حوصله و دقت کامل زحمت ترجمه آنها را بر خود هموار کرده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که همین توضیحات و ضامیم، خود به منزله تفسیر کوچک و به قولی «قابل حمل» از عهد جدید هستند که خواننده ناآشنا به مضامین مسیحی عهد جدید را در درک و خواندن این اثر، راهنمایی می‌کنند. البته، ناگفته نماند که آقای سیار، با زینت بخشیدن کتاب به نقاشی‌های زیبایی که برگزیده‌اند، بر زیبایی ادبی کار خود، زیبایی هنری را نیز افزوده‌اند.

گزینشی ارزنده - کتاب مقدس اورشلیم

برگردانی از عهد جدید که آقای سیار ترجمه خود را از آن صورت داده‌اند، بی‌تردید یکی از بهترین ترجمه‌های کتاب مقدس است. البته، کتاب مقدس اورشلیم ترجمه‌ای نیست که - لاقلاً در دنیای انگلیسی زبان - مورد استناد الهی‌دانان و پژوهشگران پروتستان کتب مقدس باشد. معمولاً این پژوهش‌گران به دلیل تسلطی که به زبان‌های اصلی کتاب مقدس دارند، یا ترجیح می‌دهند خود ترجمه‌ای از متن مورد بحث‌شان ارائه دهند، یا - همراه با اذعان به معایب و دشواری‌ها - استناد می‌کنند به ترجمه‌هایی نظیر New Revised Standard Version (NRSV) [ترجمه معیار جدید بازبینی شده] که این برگردان خود، ویراستی نو از ترجمه‌های قدیمی‌تر است. ترجمه‌های جدید کتاب مقدس معمولاً بر مبنای نتایج مطالعات جدید در زمینه نقد نسخ و کشفیات باستان‌شناسی، که شناخت بهتری از روزگار کتاب مقدس به دست می‌دهند، مورد بازبینی قرار می‌گیرند، و بنابراین هر برگردانی

از کتاب مقدس، اگرچه دقیق، همواره فاقد قطعیت مطلق خواهد بود. این وضع درباره ترجمه برخی از آثار ادبی نسبتاً معاصر مصداق ندارد. مثلاً اگر هر چند دهه یک بار لازم می‌آید که ترجمه جدیدی از آناکارینا صورت گیرد، این به دلیل آن نیست که مترجمان قبلی این اثر، درک محدودتری از فضای فکری و فرهنگی روسیه قرن نوزدهم داشته‌اند و یا در درک متن روسی عصر. با ابهامات متعدد روبرو بوده‌اند، و یا آنکه مطالعات گسترده در پاره‌هایی از نسخه اصلی آناکارینا، پژوهشگران را به نتایج جدیدی در درک برخی از عبارات و مفاهیم آن سوق داده است. این ترجمه‌های جدید، بیشتر به سبب تحولاتی انجام می‌گیرند که در زبان «مقصد» رخ داده است.

حال درباره کتاب مقدس اورشلیم باید گفت که این اثر خود نتیجه رهیافت جدیدی است در کلیسای کاتولیک به موضوع ترجمه کتاب مقدس. همان‌گونه که می‌دانیم پاپ پیوس دوازدهم در ۱۹۴۳ طی فتوایی، پژوهشگران کاتولیک رومی را تشویق کرد به ترجمه کتاب مقدس از زبان‌های اصلی آن، یعنی عبری (برای عهد عتیق که البته توأم با نوشته‌هایی به آرامی است) و یونانی (برای عهد جدید). تا پیش از این تاریخ، فقط ترجمه از وولگات (متن معیار به زبان لاتینی) امکان داشت. همین رهیافت نو، و مطالعات و تحقیقات هم‌پسته با آن سبب شد تا امروز ترجمه اورشلیم با وجود آنکه در بستر فرهنگ و تفکر کاتولیکی زاده شده، رنگی از تحقیقات و مطالعات پروتستانی داشته باشد و در مجموع تبدیل به متنی شود که با وجود نشانه‌های بارز تعلق آن به اندیشه کاتولیکی، عامه مسیحیان پروتستان نیز در مراجعه به آن، آسوده خاطر باشند.

متن فرانسه کتاب مقدس اورشلیم، به گواهی اهل فن، نثری فاخر و شاعرانه دارد، به گونه‌ای که برای برگردان انگلیسی ارباب حلقه‌ها نیز یاری گرفته شد. اما جدا از ارزش‌های ادبی، این برگردان فرانسه کتاب مقدس، حاصل تلاش جمعی از برجسته‌ترین الهی‌دانان کلیسای کاتولیک است که هر یک، برگردان خود را با اشراف بسیار به موضوع، انجام داده است.

به عنوان نمونه‌ای از دقت این ترجمه به مورد زیر اشاره می‌شود که از حیث سادگی آن انتخاب شده:

معمولاً در اکثر ترجمه‌های کتاب مقدس، متی ۱:۲ چنین است: «چون عیسی در ایام هیروдіس در بیت لحم یهودیه تولد یافت، ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده، گفتند: «کجاست آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده‌ایم...» اما دکتر کنت بیلی که مدتی مدید در لبنان و سوریه به تحقیق در فرهنگ بومی پرداخته و

کوشیده است تا حکایات و مثل‌های عیسی را با توجه به فرهنگ مردمان خاورمیانه، بویژه سرزمین زادگاه عیسی مورد بررسی قرار دهد. در کتاب خود به نام «عیسی از نگاه مردم خاورمیانه»، به این نکته اشاره می‌کند که اگر مجوسان از مشرق زمین بودند، طبعاً نمی‌توانستند ستاره مزبور را در «شرق» ببینند، چون در این صورت به جای سرزمین فلسطین، به هندوستان مسافرت می‌کردند! کلید حل معما در این است که کلمه «شرق» در گویش مردم روزگار عیسی، به معنی «طلوع و برخاستن» نیز هست، بنابراین، احتمالاً ترجمه درست‌تر این آیه همان است که در ترجمه کتاب مقدس اورشلیم آمده، یعنی، عیسی چون در زمان پادشاه هردوس در بیت لحم یهودیه زاده شد، مجوسانی که از مشرق زمین آمده بودند به اورشلیم رسیدند و گفتند: «پادشاه یهوین که به تازگی زاده شده کجا است؟ چه ما ستاره او را به گاه طلوع آن دیده‌ایم...» (تأکید از نویسنده مقاله است).

زبانی فاخر و معادل‌گذاری استادانه

زبانی که آقای پیروز سیار در ترجمه خود به کار گرفته است، بسیار زیباست! وی با تسلطی که بر زبان فارسی دارد، کلمات را چون مومی در دست می‌گیرد، یا چون مرمری، و اثری زیبا از آنها می‌آفریند. در ترجمه سیار، کلمات در جای خود هستند، او نه بیش می‌گوید، نه کم، به اندازه می‌گوید و بسیار هم زیبا می‌گوید! من برآستی نمی‌دانم که آیا سیار واقعاً نثری کهنه‌وار را به کار گرفته یا نثری که بسامدهای غنای تاریخی زبان فارسی از آن به گوش می‌رسد. به نظر راقم این سطور، اوج نثر ایشان را در ترجمه رساله به رومیان و مکاشفه می‌توان دید.

معادل‌گزینی‌ها و برابرسازی‌های آقای سیار نیز از دیگر نکات قوت این ترجمه محسوب می‌شود. ایشان، دست به کاری انقلابی و البته درست زده‌اند و آن اینکه تا جای ممکن، برخی از نام‌های خاص، عمدتاً جغرافیایی را به جای ضبط عربی‌شان، با ضبط یونانی آورده‌اند. مثلاً به جای «غلاطیان»، گفته‌اند «گالاتیان» و به جای «قرنتیان» آورده‌اند «کرنیتیان». البته، طبعاً ایشان نمی‌توانستند همین روال را درباره نام‌های خاصی چون «یحیی» و حتی خود «عیسی» — که در دنیای مسیحیت عرب‌زبان به صورت «یسوع» ثبت شده است — رعایت کنند، چون تعویض اسامی مصطلح و جا افتاده بقدری پیچیدگی ایجاد می‌کند که باید از خیرش گذشت!

از دیگر معادل‌های کلیدی که خاص ترجمه آقای سیار است، معادل «دادگرشماری» و «دادگر شمردگی» و «پارسا شمردن» در ترجمه هزاره نو (ترجمه جدید فارسی عهد جدید) است. واقعیت آن است که تعبیر *dikaiosyne theou* (دادگری / عدالت خدا) و به طوری

کلی کلمات و تعبیراتی که در حوزه **dikaioo** قرار می‌گیرند (به اصطلاح **dikaioo language**) از اصطلاحات بسیار پیچیده الاهیاتی در نامه‌های پولس هستند، و هم چنان که صاحب‌نظران عهد جدید می‌گویند، اصولاً قابل ترجمه به یک عبارت یا ترکیب واحد نیستند. در پس این عبارت، که حتی در معتبرترین ترجمه‌های انگلیسی، هم زمان برای آن چند معادل به کار رفته، دنیایی از مفاهیم الاهیاتی نهفته است که از یک سو به عهد عتیق باز می‌گردند، از سوی دیگر به مفاهیم قانونی روزگار پولس و از سویی نیز، ارتباط می‌یابند به درک پولس از موضوع پادشاهی خدا و موضوع مرگ و رستاخیز مسیح و خویشکاری خداوند در مسیح و نیز روایت گسترده کتاب مقدس که در مسیح به اوج خود می‌رسد. به بیانی، این کلمه را باید «ایجاز» یا «تعبیری موجز» دانست که شبکه‌ای در هم تافته از مفاهیم الاهیاتی را در خود حمل می‌کند. معادلی که آقای سیار برای این مفهوم برگزیده‌اند، واقع همان معادل ترجمه‌های قدیمی و تفسیری فارسی عهد جدید است، منتها ایشان این معادل را از شکل عربی آن (عادل، عدالت) خارج کرده و به صورت فارسی (دادگر، دادگری) آورده است. معادل ترجمه هزاره نو، یعنی «پارسا» و «پارساشمردگی» اگرچه معادل دقیقی است، اما کماکان با این معضل روبروست که اگرچه انسان را می‌توان «پارسا» دانست و پارسا «شمرد»، اما این صفت قابل اطلاق به خدا نیست، اما این معضل درباره کلمه «دادگر»، وجود ندارد.

معادل دیگری که کمی باید درباره آن بررسی کرد، اصطلاح «ملکوت خداست». تردیدی نیست که این ترکیب، زیبا و خوش آهنگ است و بر خواننده یا شنونده تأثیری خاص و دلنشین دارد. در تمام ترجمه‌های فارسی عهد جدید، به جز هزاره نو، همین ترکیب به کار رفته است. آقای سیار نیز، به فراخور نثر و سبک خاص خود، همین ترکیب را به کار برده‌اند. بد نیست بدانیم که در چند دهه اخیر، موضوع «ملکوت (پادشاهی) خدا» به یکی از مفاهیم کلیدی در بررسی‌های تاریخی و الاهیاتی مفاهیم عهد جدید تبدیل شده است و این نیز از دستاوردهای پژوهش در زمینه آرا و اندیشه‌های پولس رسول و نیز از نتایج موج سوم بررسی‌های تاریخی درباره زندگی عیسی مسیح است که مباحث مربوط به آن، اصطلاحاً **historical Jesus** (عیسای تاریخی) یا **Jesus Quest** (پژوهش درباره عیسی) خوانده می‌شود. یکی از نتایج محوری این مطالعات، موضوع استلزامات و مفاهیم سیاسی انجیل‌ها و نامه‌های عهد جدید است. این نیز به نوبه خود، نتیجه توجه جدید صاحب‌نظران و پژوهشگران عهد جدید به موضوع «زمینه و بستر تاریخی» زندگی عیسی است. ارنست کازمان **Ernest Kasseman** شاگرد رودلف بولتمان، الاهی‌دان نامدار مسیحی

در قرن بیستم، در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۳ نطقی ایراد کرد و در یکی از جملات به یادماندنی و معروف خود اظهار داشت که «عیسای منفک از بستر تاریخ» را افراد ممکن است به فراخور سلیقه یا منافع خود، در هر قالبی بگنجانند. از آن زمان به این سو، مطالعات تاریخی زمینه و زمانه زندگی عیسی، پژوهشگران را به نتایج بسیار مهمی از استدلالات و مفاهیم پیام و رسالت عیسی رسانده است. به طور خلاصه باید گفت که وقتی عیسی از «پادشاهی خدا» **Basileia tou Theou** سخن می‌گوید، منظور او صرفاً «زندگی اخروی مؤمنین در بهشت برین» نیست، بلکه وی اشاره به حاکمیت عینی و مطلق و جهانشمول خدا دارد که رسالت عیسی تحقق بخش آن است. برخی از پژوهشگران عهد جدید، تحت نام «آفرینش جدید»، به این مفهوم اشاره می‌کنند. این معنا را پولس در نامه‌های خود، بسط می‌دهد و بنابراین، الاهیاتی که می‌پردازد، در عین حال، الاهیاتی است در تقابل با امپراتوری روم. به طور خلاصه باید گفت که یکی از علل جفا دیدن مسیحیان قرن اول این بود که به تلویح، با پیام و کلمات خود، اعلام می‌داشتند که پادشاهی **bas-il-i ah βασιλεια** حقیقی از آن خداست و امپراتوری روم جز نسخه‌ای مجعول و بی‌اعتبار از این پادشاهی نیست. و باز این از این روست که مسیحیان اولیه، همان واژه‌ای را در اشاره به حاکمیت عیسی بر زندگی‌شان به کار می‌بردند که در امپراتوری روم برای قیصر به کار می‌رفت، یعنی **kyrios Xριστος** که به «خداوند» و «خداوندگار» ترجمه می‌شود. به این ترتیب، در برابر عبارت «**KURIOS** **KAISAR** (قیصر، خداوند (مولای) ماست)، مسیحیان اعلام می‌داشتند: «**KURIOS** **IESOUS** (عیسی، خداوند (مولای) ماست). البته، این واژه، در سنت مسیحی، مفهومی غنی‌تر از دلالت‌های سیاسی روزگار عیسی دارد. ولی به هر روی، مخلص کلام آنکه، **Basileia tou Theou** (پادشاهی خدا) برخلاف آنچه از واژه «ملکوت» به ذهن تبادر می‌یابد، ناظر بر معنای صرفاً «آن جهانی و سماواتی و غیره نیست» بلکه اتفاقاً مشیر به حاکمیت جهانشمول الاهی است که در عین حال، بعدی این جهانی و مادی دارد. در دورانهای گذشته واژه ملک را به معنای پادشاهی به کار می‌بردند و این واژه هم در تواریخ و هم در اشعار کاربرد فراوان داشته. اما ملکوت اشاره به عالم بالا دارد. برای نمونه:

سعدی در گلستان می‌گوید:

غم فرزند و نان و جامه و قوت / بازت آرد ز سیر در ملکوت

و یا خاقانی می‌گوید:

بودم معلم ملکوت اندر آسمان / از طاعتم هزار هزاران خزانه بود

تمایز میان ملک و ملکوت بخصوص در این بیت حافظ آشکار می‌شود:

ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند / کسی که خدمت جام جهان نما بکند.
جناب سیار از کلمات قدیمی دیگر مانند «اورنگ» یا «مجد» به زیبایی و استادی استفاده کرده‌اند و این کلمات در این متن خوش نشسته است. به هر روی، غرض آن نیست که بگوییم معادل‌گذاری جناب سیار برای **Baslieian tou Theou** نادرست یا نازیباست، بلکه حداکثر می‌توان گفت کلمه «ملکوت»، این مفهوم غنی الاهیاتی را، از دلالت‌های پیش‌گفته، محروم می‌سازد.

البته، این روزها به سبب دلالت‌های منفی این واژه نظیر استبداد و خودکامگی، برخی از نویسندگان مسیحی، خاصه نویسندگان آمریکایی که نسبت به موضوع سلطنت حساسیت‌های تاریخی دارند، ترجیح می‌دهند به جای واژه «**Kingdom**، سلطنت / پادشاهی» از واژه **dominion** یعنی حاکمیت استفاده کنند. برخی از نویسندگان دیگر مسیحی نیز، اساساً می‌کوشند این معنا را با واژگان و عبارات دیگری تصویر کنند.
به هر حال، آنچه گفتیم چیزی از برابرگزینی‌های استادانه و عالمانه جناب سیار نمی‌کاهد.

در پایان، باید به مترجم محترم این اثر گران‌سنگ و نیز کلیه دست‌اندرکاران چاپ و نشر آن، آفرین و خسته نباشید گفت. باشد که خداوند متعال، ترجمه این آثار و کوشش در این حوزه‌ها را وسیله‌ای برای ایجاد دوستی و نزدیکی بیشتر میان پیروان ادیان بزرگ توحیدی در مملکت عزیزمان قرار دهد. □

منابع:

1. Bailey, Kenneth. *Jesus Through Middle Eastern Eyes*. 2008
2. Wright. NT. *The Contemporary Quest for Jesus*. 2002
3. Withering ton III, Ben. *Paul's Narrative Thought World*. 1994
4. McLaren, Brian. *The Secret Message of Jesus*. 2007
5. Horsley, Richard. *In Shadow of Empire*. 2008

۶. لغت‌نامه دهخدا

۷. ترجمه فارسی قدیمی کتاب مقدس

۸. ترجمه فارسی عهد جدید «هزاره نو»

۹. عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار